

حبس‌گرایی و تشدید مشکلات زندان‌ها در آیین «تبصره ماده واحده الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر»

جواد ریاحی *

استادیار، گروه حقوق دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی (ره)، بروجرد، ایران
(تاریخ دریافت: ۲۸ تیر ۱۴۰۱ - تاریخ تصویب: ۱۵ آبان ۱۴۰۱)

چکیده

امروزه اگر ابعاد معضل اعتیاد و مواد مخدر و روان‌گردان برشمرده شود، بی‌شک، یکی از ابعاد مهم آن که هم دارای آثار اقتصادی است و هم دارای تبعات خانوادگی و اجتماعی و فرهنگی، مسأله افزایش جمعیت محکومان جرایم مواد مخدر و روان‌گردان به مجازات حبس است. بنا بر این، نتایج تحقیقات و عبرت از تجربیات گذشته، این انتظار معقول را ایجاد می‌کند که درباره افزایش جمعیت زندانیان جرایم مواد مخدر و روان‌گردان تدبیری اندیشیده شود، و از راه تعمیم اصلاحات صورت گرفته در قوانین عام و یا با وضع مقررات خاص، در سیاست‌های پیشین تجدیدنظر شود. با این حال، از نقطه نظر کیفر حبس، نه تنها این انتظار تا کنون محقق نشده، بلکه در نیمه دهه ۱۳۹۰ قانونی همسو با سیاست‌های حبس‌گرایی گذشته و برخلاف همه یافته‌های علمی و تجربه‌های قبلی به تصویب رسید که سیاست کیفری در قبال مواد مخدر و روان‌گردان را در زمینه مجازات حبس تشدید نمود. این قانون چیزی نبود جز قانون ماده واحده الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر که گرایش به سخت‌گیری و حبس‌گرایی را در تبصره خود به نمایش می‌گذارد. این مقاله با اتخاذ روش توصیفی تحلیلی، ضمن بررسی چرایی و چگونگی تصویب تبصره مزبور، به ارزیابی آن مقرر از منظر سیاست حبس‌زدایی پرداخته و به این نتیجه رسیده است که تصویب این قانون سخت‌گیرانه، بیش از آنکه متکی به مبانی فقهی-حقوقی یا دلایل علمی باشد، به منظور اقناع طرف‌داران مجازات اعدام و پاسخ به مطالبات کیفرگرایی عوام‌گرایانه ایشان صورت گرفته است. این مقرر، برخلاف سیاست‌های کلی نظام، برنامه‌های توسعه، و رویکرد قوانین عادی، به توسعه و تقویت حبس‌گرایی پرداخته، نظام عدالت کیفری را با مشکلات عدیده‌ای همچون تشدید تورم جمعیت زندانیان و افزایش هزینه‌های زندان‌ها، افزایش مشکلات خانواده محکومان و وارد کردن نوجوانان و جوانان به چرخه رسمی عدالت کیفری مواجه می‌کند.

واژگان کلیدی

مواد مخدر، مواد روان‌گردان، حبس‌گرایی، جمعیت زندان‌ها.

* Riahi@abru.ac.ir

ORCID iDs: <https://orcid.org/0009-0006-8334-247x>

این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی است که با حمایت مالی دانشگاه حضرت آیت الله العظمی بروجردی (ره) انجام شده است.

مقدمه

برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری برای کنترل و مقابله با پدیده شوم اعتیاد به مواد اعتیادآور غیر قانونی و عوامل آن، سال‌هاست که در دستور کار نظام‌های مختلف جزائی قرار داشته، کوشش شده تا با اتخاذ روش‌های مختلف اعم از سرکوب و سخت‌گیری یا اصلاح و درمان و کنترل و اولویت دادن به پیش‌گیری غیرکیفری، اقداماتی صورت پذیرد.

نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که در کشور ما، مبارزه با مواد اعتیادآور غیرقانونی سبب شده است که شمار زندانیان مربوط به جرایم مواد اعتیاد آور غیرقانونی بیشترین درصد جمعیت محکومان به حبس را به خود اختصاص دهد (داوودی گرمارودی، ۱۳۸۶: ۵۵). امروزه بسیاری از دست-اندرکاران نظام عدالت کیفری در ایران بر این باورند که «پدیده مواد اعتیادآور غیرقانونی، از جمله پدیده‌هایی است که باید در نگرش و برخورد اجتماعی، اداری و انتظامی مورد تجدیدنظر قرار گیرد. چگونگی برخورد با این پدیده نه تنها موجب کاهش آسیب‌ها نشده، بلکه در عمیق‌تر کردن آسیب‌ها و گسترش آنها نقش بسیار مؤثری داشته است» (جعفرقلی، ۱۳۸۶: ۱۴۲).

اکنون، بیش از یک دهه است که نتایج تحقیقات و عبرت از تجربیات گذشته، این انتظار معقول را ایجاد کرده که باید درباره معضل جرایم مواد مخدر و روان‌گردان تدبیر نویی اندیشید و از راه تعمیم اصلاحات صورت گرفته در قوانین عام و یا با وضع مقررات خاص، در سیاست‌های پیشین تجدیدنظر کرد. قانون‌گذار این امر را در دستور کار قرار داد و کوشش نمود تا با تحدید قلمرو کیفر اعدام، به آن انتظار معقول پاسخ دهد و در سال ۱۳۹۶ با تصویب یک ماده واحده به این اندیشه جامه عمل پوشانید.

با این حال، اقدام قانون‌گذار را نمی‌توان یک تجدیدنظر تمام عیار در سیاست سخت‌گیرانه قبلی دانست؛ زیرا مقرره یادشده، تنها شدت‌گرایی در کیفر اعدام را تعدیل کرده^۱، اما درباره کیفر حبس، رویکرد قبلی مبنی بر شدت عمل و سخت‌گیری را تحکیم کرده است؛ زیرا به موجب تبصره قانون ماده واحده الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر محکوم علیه را در مواردی از نهادهای ارفاقی محروم کرده و مقرر داشته:

«در مورد جرائم موضوع این قانون که مجازات حبس بیش از پنج سال دارد در صورتی که حکم به حداقل مجازات قانونی صادر شود، جز در مورد مصادیق تبصره ماده (۳۸)، مرتکب از تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط و سایر نهادهای ارفاقی به استثنای عفو مقام معظم رهبری

۱. برخی از پژوهشگران بر این عقیده‌اند که حتی در مورد کیفر اعدام نیز نمی‌توان ماده واحده الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر را به معنای عدول از سیاست سخت‌گیری تلقی نمود و تغییرات موجود در عمل به افزایش سخت‌گیری و تشدید رویکرد کیفری در قبال مجرمان جرایم مواد مخدر و روان‌گردان منتهی خواهد شد (موسوی مجاب و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۵۰).

مذکور در بند (۱۱) اصل یکصد و دهم (۱۱۰) قانون اساسی بهره‌مند نخواهد شد و در صورتی که حکم به مجازات بیش از حداقل مجازات قانونی صادر شود دادگاه می‌تواند بخشی از مجازات حبس را پس از گذراندن حداقل مجازات قانونی به مدت پنج تا ده سال تعلیق کند.

برخی درباره این مقرر بر این باورند که علی‌رغم اینکه «ضرورت وجود نهادهای ارفاقی با تبیین اهداف مجازات‌ها و ضرورت اصلاح و درمان مجرمان و توجه قانون‌گذار به این امر در قانون اساسی به عنوان بالاترین سند نظام حقوقی و قوانین مادر همچون قانون مجازات اسلامی اثبات می‌شود... لکن در ماده واحده سال ۱۳۹۶، قانون‌گذار با عدول از سیاست اصلاح و درمان، با حذف برخی از نهادهای ارفاقی به سیاست سزاکرایانه متمایل شده است» (موسوی مجاب و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۶۶).

بنا بر این، اقدام قانون‌گذار در تصویب این مقرر را می‌توان دست‌کم از دو جهت، اقدامی اعجاب‌انگیز و سؤال برانگیز دانست؛ نخست اینکه در صدر ماده واحده و تبصره ذیل آن از حیث رویکرد سیاست کیفری نوعی دوگانگی مشاهده می‌شود و هر کدام نسبت به دیگری جهت‌گیری متفاوتی دارد؛ زیرا صدر مقرر حاکی از تساهل در کیفر اعدام و عدول از سیاست‌های سخت‌گیرانه قبلی است؛ اما تبصره آن که ناظر به کیفر حبس است، حاکی از سخت‌گیری و پایبندی به سیاست‌های کیفرگرایی قبلی است و محکوم‌علیه را از نهادهای ارفاقی محروم می‌کند.

جهت دوم اینکه تصویب این مقرر در شرایط دهه ۱۳۹۰ خورشیدی صورت پذیرفته است؛ یعنی زمانی که ناکامی سیاست‌های حبس‌گرایانه بیش از هر زمان دیگری آشکار شده و دهه‌ای که آغاز آن همراه است با تصویب قانون مجازات اسلامی و قانون آئین دادرسی کیفری (هر دو مصوب سال ۱۳۹۲)، که مقررات هر کدام از آن دو قانون، از حیث نوآوری در تدابیر و اقدامات حبس‌زدا و گسترش جایگزین‌های حبس مثال‌زدنی هستند.

تحقیق حاضر کوشش می‌کند پاسخی برای این پرسش‌ها بیابد که اقدام مقنن در سال ۱۳۹۶ در تصویب ماده واحده الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر، متکی به چه دلیل یا دلایل قانع‌کننده‌ای است؟ و از نقطه نظر سیاست حبس‌زدایی چگونه ارزیابی می‌شود و آثار و تبعات تصویب این قانون سخت‌گیرانه، برای نظام جزائی چیست؟

۱. چرایی و چگونگی تصویب تبصره ماده واحده

سیاست «مبارزه» با مواد مخدر که مستلزم شدت عمل و سخت‌گیری هرچه تمام‌تر با مرتکبان جرایم مواد مخدر و روان‌گردان است، سالیان متمادی است که بر سیاست کیفری ایران در زمینه مواد مخدر و روان‌گردان سایه انداخته است. با این حال، بیش از یک دهه است که این سیاست از

نظر صرفه اقتصادی، کارآمدی در نیل به اهداف و اثربخشی، به طور جدی مورد تردید و انتقاد واقع شده است. امروزه، کلیه ابعاد و مؤلفه‌های سیاست یادشده آماج انتقادهای گزنده و تردیدهای قابل توجه قرار گرفته است؛ در این میان، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های آن سیاست، کیفر اعدام است که شاید بتوان گفت تا کنون، بیش‌ترین انتقادهای را به خود جلب کرده است.

این امر موجب شد که برخی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی با هدف کاستن از آمار محکومیت به اعدام در حوزه مواد مخدر و روان‌گردان، به دنبال راهکاری برای تغییر وضعیت موجود برآید؛ اما این کار آسانی نبود؛ چون از یک سو، سیاست مبارزه و سرکوب و سخت‌گیری درباره جرایم مواد مخدر و روان‌گردان هنوز هم طرف‌داران سرسختی دارد، و از سوی دیگر، به محض طرح اندیشه تحدید قلمرو اعدام، در میان نمایندگان مجلس قانون‌گذاری این نگرانی ایجاد می‌شد که تجدیدنظر در سیاست مبارزه و سرکوب و سخت‌گیری و محدود کردن کیفر اعدام، معنایی جز نشان دادن چراغ سبز به مرتکبان جرایم مواد مخدر ندارد و به دنبال آن آمار جرایم مواد مخدر و روان‌گردان افزایش خواهد یافت.

از این رو، نمایندگان طرف‌دار تجدیدنظر در مقررات ناظر به اعدام در حوزه مواد مخدر و روان‌گردان، باید جایگزینی برای اعدام تدارک می‌دیدند تا بتوانند بقیه نمایندگان مجلس و نیز کارشناسان و صاحب‌نظران را قانع کنند که تحدید قلمرو اعدام به معنای عدول از سیاست مبارزه و سرکوب و سخت‌گیری نیست؛ بلکه تنها شیوه و روش مبارزه تغییر خواهد کرد؛ به این منظور، ایشان چاره کار را در افزایش گزند کیفری مجازات حبس دیده، کوشیدند تا با افزایش حتمیت کیفر حبس از راه محروم نمودن محکوم علیه از کلیه نهادهای ارفاقی^۱، کیفر شدیدی ارائه دهند که رافع نگرانی‌های یادشده باشد و این اندیشه را در طرح «الحاق یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر» پیاده کردند.

نمایندگان دوره نهم مجلس شورای اسلامی، در سال ۱۳۹۴ طرحی را با عنوان طرح «اصلاح مجازات اعدام در قانون مبارزه با مواد مخدر» به هیأت رئیسه مجلس تقدیم کردند؛ اما به دلیل پایان عمر مجلس نهم، طرح یادشده به سرانجام نرسید. پس از آن، نمایندگان مجدداً در دوره دهم مجلس شورای اسلامی، طرح «الحاق یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر» را با یک فوریت و با امضای ۱۴۶ نفر موافق، به هیأت رئیسه تقدیم کردند که به تصویب رسید و برای بررسی بیشتر به

۱. همان‌گونه که برخی از پژوهشگران نیز نوشته‌اند، منظور از نهادهای ارفاقی که در تبصره ماده ۴۵ الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر آمده، شامل هر نوع نهاد ارفاقی است که نخست، پس از تعیین مجازات و صدور حکم به محکوم علیه اعطا شود و دوم، اختیاری باشد و دادگاه مکلف به اعطای آن نباشد (ذبحی، ۱۳۹۹: ۱۱۵) و لذا می‌توان گفت که هدف مقنن از وضع این مقرر تأکید بر حتمیت اجرای مجازات مورد حکم است (خلیل‌زاده و حسینی، ۱۳۹۸: ۱۲۳).

دو کمیسیون قضائی و حقوقی (کمیسیون اصلی) و کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی (کمیسیون فرعی) مجلس شورای اسلامی ارجاع گردید.

کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی با توجه به جلسات کارشناسی، نظر خود را مبنی بر مخالفت با حداکثر آراء اعلام و طرح را رد کرد؛ اما کمیسیون قضائی و حقوقی با نظر مثبت به بررسی طرح پرداخت و از تصویب آن دفاع کرد، تا اینکه نهایتاً پس از رفت و آمدهای زیاد، طرح یادشده در کمیسیون قضائی و حقوقی و سپس در صحن مجلس شورای اسلامی تصویب شد و پس از آن به تأیید شورای نگهبان رسید (علیزاده، ۱۳۹۶: ۱).

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در نخستین اظهارنظر کارشناسی خود درباره طرح «الحاق یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر» به توجیه چرایی لزوم تجدیدنظر در مقررات ناظر به اعدام قانون مبارزه با مواد مخدر و روان‌گردان پرداخته، چنین ابراز کرده است:

«با توجه به نظریه ولایت مطلقه فقیه با تفسیر حضرت امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب و آرای فقهی فقهای محترم شورای نگهبان در چهار دهه گذشته از انقلاب اسلامی، می‌توان اینگونه استنباط نمود که اگرچه حذف برخی از انواع مجازات سالب حیات همچون قصاص نفس منتفی است، اما در برخی دیگر از انواع مجازات‌های سالب حیات همچون اعدام در حوزه جرایم مواد مخدر، مستند به احکام ثانویه، قابلیت تأمل و بازنگری هست و این تأمل و واکاوی مجدد نیز به هیچ عنوان متأثر از رویکرد مخالفت با اصل مجازات سالب حیات و یا به زعم برخی، تردید در بازدارندگی مجازات اعدام نیست. در همین راستا و در حالی که رویکرد حاکم بر مجازات‌های مقرر در قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷ علی‌رغم اصلاحات و الحاقات بعدی در سال ۱۳۸۹ کمی و مجازات اعدام در این قانون عموماً متوجه اشخاص حاشیه‌ای و نه سران اصلی بود، طرح الحاق یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر با هدف کیفی سازی مجازات‌های مقرر و توجه مجازات اعدام به سران پیشنهاد گردید» (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۶ (الف): ۱).

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی سپس در بخش دیگری از آن گزارش بالحنی حاکی از تأیید و ترغیب، به تمجید از تبصره ماده واحده الحاقی پرداخته، اظهار می‌دارد:

«در تبصره ۲ مصوبه [تبصره فعلی] اعمال ممنوعیت و محدودیت برای شمول نهادهای تخفیفی از نوآوری‌های طرح پیشنهادی است که با هدف ایجاد قطعیت^۱ و ارتقاء بازدارندگی مجازات حبس مقرر در این قانون پیشنهاد شده است» (همان).

۱. با توجه به سیاق گزارش کمیسیون حقوقی و قضائی و متن تبصره ماده واحده الحاقی، به نظر می‌رسد واژه «قطعیت» را نه فقط در معنای خاص که صرفاً ناظر بر قابل تجدیدنظر نبودن احکام است، بلکه باید اعم از آن و شامل معنای «قطعیت و حتمیت» در نظر گرفت.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در اظهارنظر کارشناسی نهایی خود درباره طرح «الحاق یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر»، ضمن دفاع از لزوم تجدیدنظر در قلمرو اعدام در مقررات قانون مبارزه با مواد مخدر و روان‌گردان، باز هم در این زمینه به بیان استدلال‌های بیش‌تر پرداخته، این‌گونه اظهار می‌دارد:

«مجازات اعدام از جمله مجازات‌های حدی است و ... مقرر کردن اعدام برای حمل و نگهداری مواد مخدر و روان‌گردان از باب افساد فی‌الارض می‌باشد. این تعیین منوط به امر کارشناسی و اظهارنظر خبره است و این تغییر در قانون، تغییر نظر کارشناس در مفسد بودن عمل حمل‌کننده و فروشنده مواد مخدر و روان‌گردان است. به عبارت دیگر، قانون‌گذار امروز معتقد است حمل ۳۰ گرم هروئین از مصادیق افساد فی‌الارض نیست و به اذعان اغلب کارشناسان، اعم از قضات صادرکننده رأی در حوزه مواد مخدر، اساتید و متخصصین جرم‌شناسی این میزان باید اضافه شود» (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۶ (ب): ۲).

سپس، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی برای رفع هرگونه نگرانی درباره تبعات تحدید کیفر اعدام و شاید برای پاسخ به دغدغه‌های کیفری برخی از نمایندگان طرف‌دار شدت عمل و سخت‌گیری، در بخش دیگری از آن گزارش به تبیین ابتکار مقرر در تبصره ماده واحده الحاقی پرداخته، چنین ابراز کرده است:

«با عنایت به اینکه در قانون فعلی، مجازات شدید اعدام در مقادیر پائین‌تر از یک کیلوگرم (مواد موضوع ماده ۸ قانون مبارزه با مواد مخدر) عموماً مشمول عفو شده و در عمل اجرا نمی‌شده است، لذا می‌توان گفت سیاست قانون‌گذار سیاست شدت و عدم قطعیت مجازات‌ها بوده است که با توجه به تبصره ماده واحده این رویکرد در مصوبه جدید تغییر کرده و اعمال هرگونه سیاست تخفیفی اعم از آزادی مشروط، تعلیق، تخفیف و... منع شده و مجازات حبس اعمالی لزوماً باید اجرا شود. در توجیه این رویکرد می‌توان گفت در جرایمی که مرتکب با تدبیر و هزینه فایده کردن مرتکب جرم می‌شود، قطعیت مجازات معنایی ویژه می‌یابد، این در حالی است که [در] جرایم آنی و احساسی مثل قتل مسأله متفاوت است؛ از این رو سیاست شدت و قطعیت مجازات‌ها ملاک اصلی این مصوبه است» (همان).

با عنایت به آنچه گفته شد، آشکار می‌گردد که متن گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی غالباً بر ناکارآمدی کیفر اعدام در مورد بزهکاران خرد و نیز امکان‌پذیر بودن تجدیدنظر در حکم اعدام در جرایم مواد مخدر و روان‌گردان تأکید دارد. اما درباره مجازات حبس، نه تنها به مشکلات زندان‌ها و دیدگاه‌های مخالف اشاره‌ای نشده، بلکه از یک سو عقلانیت و محاسبات هزینه فایده را در میان مرتکبان جرایم مواد مخدر و روان‌گردان و معتادان مفروض لحاظ

شده، و از سوی دیگر، کارآمدی کیفر حبس در وضعیت حتمی و قطعی و بازدارندگی آن در صورت تشدید، مفروغ عنه و مسلّم در نظر گرفته شده است.

بنا بر این، بررسی گزارش‌های کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی درباره طرح یادشده از معمای چرایی و چگونگی تصویب تبصره ماده واحده مذکور پرده بر می‌دارد و به وضوح نشان می‌دهد که پاسخ به مطالبات کیفرگرایی عوام‌گرایانه و قانع کردن طرف‌داران سیاست سرکوب و سخت‌گیری، بیش‌ترین اثر را در تهیه و تنظیم تبصره یادشده داشته است.

به عکس، مبانی علمی و منطقی ناظر به معیارهای تعیین واکنش تعزیری و توجه به شخصیت مرتکبان و اصلاح و بازپروری ایشان از یک سو، و یافته‌های مطالعات و نتایج تحقیقات درباره آثار مخرب زندان و تبعات منفی آن از سوی دیگر، چندان مطمح نظر نبوده و یا مورد غفلت واقع شده است.

به هر تقدیر، حال که ایشان (پیشنهاد دهندگان طرح مزبور)، در جست‌وجوی جایگزینی برای اعدام، به سراغ افزایش شدت و غلظت مجازات حبس‌های بیش از ۵ سال رفتند و پیشنهاد ایشان در قالب تبصره ماده واحده الحاقی به ثمر نشست است، تحقیق درباره ابعاد حبس‌گرایانه و آثار عملی تبصره ماده واحده می‌تواند زوایای پنهان و پیامدهای آنرا آشکار کرده، زمینه‌ای را برای بازاندیشی در رویه‌های موجود فراهم نماید.

۲. حبس‌گرایی در تبصره ماده واحده الحاقی

در قسمت قبل آشکار گردید که تبصره ماده واحده قانون یادشده، صرفاً بر اساس ملاحظات عملی زمان تصویب مقرر، از جمله افزایش قدرت چانه‌زنی نمایندگان موافق طرح، اقناع افکار عمومی و جلب موافقت حداکثری نمایندگان، حاصل شده است. به نظر می‌رسد که این امر سبب افراط در زمینه کیفر حبس و موجب شده که مقنن در دام حبس‌گرایی گرفتار شود. در این قسمت، ناهماهنگی تبصره ماده واحده الحاقی با سیاست‌های کلی نظام، برنامه‌های پنج‌سالانه توسعه و رویکرد قوانین عادی بررسی می‌گردد.

سیاست حبس‌زدایی در سیاست‌های کلی نظام که به موجب بند اول اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران توسط مقام رهبری ابلاغ می‌شوند، چندین بار مورد تأکید قرار گرفته است. نخستین بار، در سال ۱۳۸۱ و به موجب بند ۱۴ سیاست‌های کلی نظام در خصوص امنیت قضایی و پس از آن، در سال ۱۳۸۸ مطابق بند ۱۲ سیاست‌های کلی قضایی بر لزوم پرهیز از توسل افراطی به کیفر حبس تأکید شد. سپس، در سال ۱۳۹۴، سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه ابلاغ شد و به موجب بند ۶۴ این سند، «بازنگری در قوانین جزایی به منظور کاستن از محکومیت به حبس و

تبدیل آن به مجازات‌های دیگر و متناسب‌سازی مجازات‌ها با جرایم» یکی از سیاست‌های کلی نظام در امور قضایی معرفی شد (بهره‌مند، ۱۳۹۶: ۳۵۹).

با این وصف، تبصره ماده واحده الحاقی در مغایرت آشکار با سیاست‌های کلی نظام در امور قضایی است. زیرا ثمره عمل به آن مقرر، چیزی جز افزایش میزان ورودی محکومان به حبس به زندان‌ها و افزایش ماندگاری ایشان در زندان‌ها نخواهد بود و این دو (افزایش میزان ورودی زندان‌ها و افزایش ماندگاری زندانیان) از عوامل رشد نرخ جمعیت زندان‌هاست و جهت حرکت آن برخلاف سیاست‌های کلی نظام در زمینه حبس‌زدایی است.

ردپای سیاست حبس‌زدایی را در برنامه‌های توسعه نیز می‌توان مشاهده کرد. قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، بر راهبرد جان‌نشین‌سازی مجازات حبس با جزای نقدی تأکید نموده، زمینه تصویب قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳ را فراهم نمود. پس از دو دوره فترت، قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳، هم بحث مهم جرم‌زدایی را مطرح کرد و هم قوه قضائیه را مکلف نمود تا لایحه «جایگزین‌های مجازات حبس» را تهیه و ارائه کند. پس از آن، قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹، بار دیگر بر استانداردسازی ضمانت اجرای کیفری و جایگزین‌سازی آنها با ضمانت اجرای غیرکیفری مؤثر تأکید نمود (بهره‌مند، ۱۳۹۶: ۳۶۰).

جزء سوم از بند ت ماده ۱۱۳ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۶) مصوب ۱۳۹۶/۱/۱۶ سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور را مکلف نمود تا ظرفیت پذیرش زندانیان را به صورت برخط و با رعایت جهات امنیتی در اختیار مقامات قضائی صلاحیت‌دار قرار دهد، تا قضات با لحاظ ظرفیت اعلام شده از تأسیس‌های جدید کیفری مانند تعلیق تعقیب یا مجازات، تعویق صدور حکم، آزادی‌های مشروط و مجازات‌های جایگزین حبس استفاده کنند.

قانون برنامه هفتم توسعه، تا زمان نگارش این سطور، هنوز تصویب و ابلاغ نشده است. با این حال، سیاست‌های کلی آن در ۲۰ شهریورماه سال جاری ابلاغ شده و در بخش پایانی آن، لزوم حل معضل تراکم جمعیت زندان‌های کشور مورد توجه قرار گرفته است: «بازنگری در قوانین در جهت کاهش عناوین جرائم و کاهش استفاده از مجازات زندان» (پایگاه اطلاع‌رسانی دولت، ۱۴۰۱: ۱).

بنا بر این، سیاست حبس‌زدایی مورد تأکید چندین قانون برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به عنوان اسناد بالادستی است و مغایرت تبصره ماده واحده الحاقی با آنها کتمان‌پذیر نیست؛ زیرا تبصره یادشده با ممنوع نمودن اعمال نهادهای ارفاقی و ایجاد

محدودیت برای قضات در متناسب‌سازی مجازات حبس، نظام قضائی را به جای حبس‌زدایی به سمت حبس‌گرایی سوق می‌دهد.

قانون‌گذار ایران از دوران پیش از انقلاب اسلامی، خطر حبس‌گرایی افراطی، به ویژه در زمینه حبس‌های کوتاه مدت را احساس کرده، در نخستین گام، «قانون امکان تبدیل حبس در امور خلافی و حبسی که مدت آن دو ماه یا کمتر باشد به جزای نقدی» در تاریخ ۱۳۰۷/۰۲/۲۶ به تصویب رسید (آشوری ۱۳۹۴: ۲۲۱). سپس، قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲ در ماده ۱۱ خود مقرر می‌داشت هرگاه حداکثر حبس کمتر از ۶۱ روز باشد، به جزای نقدی تبدیل می‌شود. به علاوه، قانون‌گذار سیاست‌های دیگری را در زمینه حبس‌زدایی از حبس‌های میان‌مدت یا طولانی مدت به کار گرفت که امروزه از آنها به جایگزین‌های سنتی کیفر حبس تعبیر می‌شود.

پس از انقلاب اسلامی، قانون‌گذار در سال ۱۳۶۸ در بند ۱ تبصره ۱۷ قانون برنامه اول توسعه به سیاست حبس‌زدایی پرداخت و در سال ۱۳۷۳ با تصویب قانون «وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین»، مقرر داشت که حبس‌های تا سه ماه الزاماً به جزای نقدی تبدیل شوند.

از دیگر اقدامات مهم مقنن، جرم‌زدایی نسبی از اعتیاد است. تا پیش از آن، اعتیاد جرم و مجازات آن شلاق و جزای نقدی بود؛ با این حال، به سبب اینکه اغلب معتادان از قشر فقیر و محروم جامعه هستند، هم در مرحله تحقیقات مقدماتی به دلیل عجز از معرفی کفیل بازداشت می‌شدند، و هم در مرحله اجرای مجازات به دلیل عجز از پرداخت جزای نقدی، به تحمل حبس بدل از جزای نقدی محکوم می‌شدند، مقررات پیشین از این راه در افزایش جمعیت کیفری نقش داشت (رحمدل، ۱۳۸۶: ۳۰). لکن در اصلاحاتی که در سال ۱۳۸۹ به عمل آمد، از اعتیاد نسبتاً جرم‌زدایی به عمل آمده، معتادان به سبب اعتیاد مگر در موارد استثنایی روانه زندان نمی‌شوند.

در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، علاوه بر آنچه قبلاً وجود داشت، نهادهای حبس‌زدای دیگری همچون معافیت از کیفر و تعویق صدور حکم، به جمع جایگزین‌های حبس افزوده شد. در قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز قانون‌گذار نهادهای جدیدی را همچون قرار ترک یا تعلیق تعقیب معرفی نمود که یا در راستای کاهش توسل به قرار بازداشت موقت هستند و یا در جهت سیاست قضازدایی که می‌تواند به طور غیر مستقیم موجب حبس‌زدایی گردد. سرانجام، از مهم‌ترین اقدامات در راستای سیاست حبس‌زدایی به تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در سال ۱۳۹۹ می‌توان اشاره نمود که تغییرات مهمی را در جهت تحقق سیاست حبس‌زدایی ایجاد کرد.

با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان گفت که در دهه‌های گذشته سیاست حبس‌زدایی همواره یکی از راهبردهای مهم دستگاه تقنینی کشور به ویژه در زمینه حبس‌های کوتاه مدت و در خصوص مجرمان کم‌خطر بوده، رویکرد کلی قوانین عادی نیز مبتنی بر استقبال از این سیاست و تقنین مقررات موافق با حبس‌زدایی و گسترش ساز و کارهای مربوط به آن بوده است. با این وصف، مقررات تبصره ماده واحده الحاقی که می‌تواند اثر چشمگیری بر افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها و اعمال کیفر حبس بر اشخاصی داشته باشد که در بسیاری از موارد می‌توان آنها را در دسته بزهکاران کم‌خطر جای داد، با رویکرد قوانین عادی در باب حبس‌زدایی سازگاری ندارد و حتی با در نظر گرفتن آمار بالای محکومان به حبس در زمینه جرایم مواد مخدر و روان‌گردان، شاید بتوان گفت که مقررات تبصره ماده واحده الحاقی به نوعی می‌تواند آثار مترتب بر اعمال سایر قوانین و مقررات حبس‌زدا را نیز خنثی نماید.

۳. مشکل‌های عملی

بررسی رابطه تبصره ماده واحده الحاقی با اسناد بالادستی و قوانین و سیاست‌های مربوط به مجازات حبس نشان داد که مقرر مزبور که بر اساس یک رویکرد حبس‌گرایانه تنظیم شده، سنخیت و تناسبی با اسناد و قوانین و سیاست‌های یادشده ندارد. در ادامه، آن مقرر از حیث آثار عملی و تبعات ناشی از اجرای آن بررسی می‌شود تا بر این اساس، آثار و تبعاتی که می‌تواند برای نظام جزایی به طور خاص، و به طور کلی برای جامعه به دنبال داشته باشد، آشکار گردد.

۳.۱. دامن‌زدن به مشکل حاد تورم جمعیت زندان‌ها و تشدید وضعیت آن

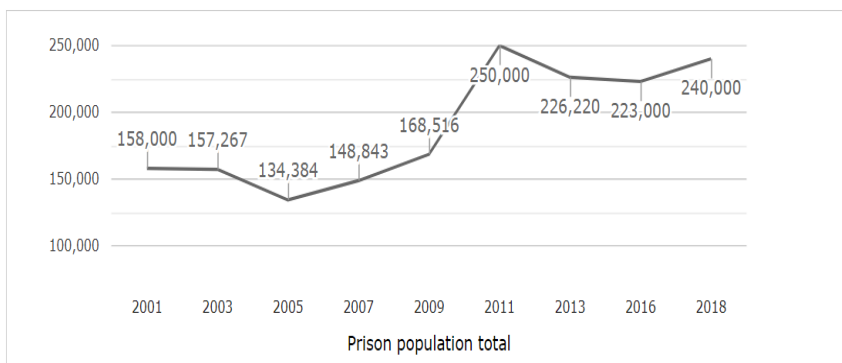
معضل تورم جمعیت زندانیان کشور، از مشکلاتی است که دیرزمانی است گریبان‌گیر نظام جزایی است. از ابتدای سال ۱۳۵۸ تا پایان سال ۱۳۸۰، متوسط رشد سرانه زندانیان ۹٫۶۱ درصد بوده است. در این فاصله زمانی، در حالی که جمعیت کل کشور تقریباً ۱٫۷ برابر شد، جمعیت زندان‌ها ۷٫۵ برابر گردید. این تورم انفجارآمیز زندانیان هرگونه برنامه تربیتی، فرهنگی، اصلاحی، یا اقدام حرفه‌آموزی و بازسازی را در عمل به شدت مختل کرد (شهیدزاده، ۱۳۸۶: ۱۴۳؛ جعفرقلی، ۱۳۸۶: ۱۳۹) و چاره‌ای جز تجدیدنظر در سیاست‌های قبلی و طراحی سیاست‌های کارآمد برای سیاست‌گذاران نظام جزایی باقی نگذاشته است.

با وجود پذیرش سیاست حبس‌زدایی به عنوان یکی از اولویت‌های نظام قضائی و با همه اقداماتی که تاکنون صورت گرفته، اما هنوز معضل افزایش جمعیت زندانیان کشور یکی از معضلات قضائی و حل‌نشده نظام عدالت کیفری است، به طوری که ریاست سازمان زندان‌ها و

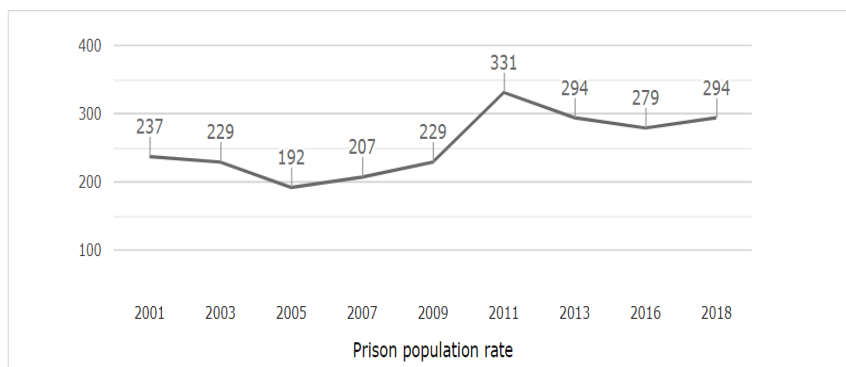
اقدامات تأمینی و تربیتی کشور نیز در تازه‌ترین اظهارات خود، این موضوع را تأیید کرده است: «تراکم جمعیت کیفری در زندان‌های کشور در حد مطلوب نیست؛ چون ما با افزایش جمعیت کیفری مواجه هستیم... جمعیت کیفری ما نسبت به کل جمعیت کشور عدد بالایی است؛ در جمهوری اسلامی ایران ما بالاتر از حد میانگین جهانی زندانی در زندان‌های کشور داریم» (خبرآنلاین، ۱۴۰۱: ۱).

نمودارهای شماره (۱) و (۲) روند روزافزون آمار زندانیان و نرخ زندانیان ایران در فاصله سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۷ را نشان می‌دهد (مرکز بین‌المللی مطالعات زندان، ۲۰۱۸: ۱).

نمودار شماره (۱): آمار زندانیان ایران در فاصله سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۷



نمودار شماره (۲): نرخ زندانیان (تعداد زندانی به ازاء هر ۱۰۰/۰۰۰ نفر جمعیت) ایران در فاصله سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۷



آمارهای موجود کمابیش از سوی برخی از مسئولین و مقامات رسمی نیز تأیید شده است: به نوشته روزنامه همدلی (۱۴۰۰: ۱): «در چهار دهه گذشته تعداد زندانیان در ایران ۱۵ برابر شده است. این خبر را عضو کمیسیون قضایی کشور اعلام کرد. حسن نوروزی نایب‌رئیس کمیسیون قضایی مجلس گفت: اکنون ۲۴۰ هزار زندانی داریم. دو سال پیش نیز «تقی رستم‌وندی» رئیس وقت سازمان امور اجتماعی کشور گفته بود: ایران با داشتن ۲۴۰ هزار زندانی رتبه نهم دنیا به لحاظ تعداد کل زندانیان را به خود اختصاص داده است. در همان زمان سیدحسن موسوی چلک، رئیس انجمن مددکاری اجتماعی وقت اعلام کرد: در هر ساعت ۵۰ نفر وارد زندان می‌شوند. پیش‌تر نیز برخی از منابع از رشد ۱۷ برابری زندانیان کشور نسبت به دهه‌های گذشته خبر دادند. دو سال پیش حسین پورمند مدیرکل قضایی و اجرای احکام سازمان زندان‌های کشور اعلام کرد تعداد زندانیان ۲۸ درصد بیشتر از ظرفیت زندان‌هاست.»

بنا بر این، با توجه به اینکه از یک سو، مطابق اظهارات مقامات رسمی و مسئولین امر و آمارهای موجود، روند روزافزون تعداد زندانیان، در سال‌های پس از تصویب تبصره ماده واحده الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر (از سال ۱۳۹۶ به بعد) نیز همچنان ادامه یافته است؛ و از سوی دیگر، بنا به اظهارات مراجع یادشده، آمار زندانیان مواد مخدر و روان‌گردان نیز همچنان رشد صعودی خود را حفظ کرده است، معلوم می‌شود که تبصره یادشده در تشدید معضل جمعیت زندان‌ها می‌تواند نقش مهمی داشته باشد؛ زیرا با لازم الاجرا شدن مقرره یادشده، بسیاری از مجرمانی که سابقاً به اعدام محکوم می‌شدند، به حبس محکوم می‌شوند و چنان محکومانی به علاوه محکومانی که مجازات آنان بیش از ۵ سال است، از نهادهای ارفاقی محروم‌اند و انتظار می‌رود از این راه، آمار محکومیت‌های حبس افزایش یابد.

آمار زندانیان مربوط به جرایم مواد مخدر و روان‌گردان، همواره بیشترین آمار زندانیان را به خود اختصاص داده و در سال‌های گذشته، از یک سوم تا نیمی از جمعیت کیفری زندان را شامل شده است. طی این سالیان، از این شمار، آمار بیشترین جرم‌ها به ترتیب به جرایم مواد اعتیادآور غیر قانونی و سپس به سرقت و جرایم علیه اموال و مالکیت اختصاص داشته است (پورهایمی، ۱۳۸۳: ۱۹۰).

در سال گذشته نیز رئیس سابق سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور در مصاحبه‌ای ابراز نمود که «۴۴ درصد از محکومان به‌طور مستقیم و ۲۶ درصد نیز غیرمستقیم مربوط به جرائم مواد مخدر هستند و این یعنی ۷۰ درصد آمار زندانیان کشور؛ در بسیاری از این پرونده‌ها می‌توان از مجازات جایگزین حبس استفاده کرد و حتماً زندان مکان و درمان مناسبی برای معتادین نیست» (عصر ایران، ۱۴۰۰: ۱).

به علاوه، آمار زندانیان مربوط به جرایم مواد مخدر و روان‌گردان، همواره رو به افزایش بوده است؛ به عنوان مثال، آمار ورودی زندانیان کل کشور در زمینه جرایم مواد اعتیادآور غیر قانونی در فروردین ماه سال ۱۳۷۸ معادل ۱۳۶۷۸ نفر بوده، در حالی که این رقم در مهرماه همان سال به ۱۹۶۱۰ نفر افزایش یافته است (محبی، ۱۳۸۲: ۳۲).

اگرچه در زمینه نرخ رشد و آمار محکومان به کیفر حبس به خصوص محکومان جرایم مواد مخدر و روان‌گردان، آمارهای به روز و کاملی در دسترس نیست^۱، اما حداقل‌های آماری موجود در این زمینه، فرضیه پژوهش حاضر را تأیید می‌کند. مطابق اطلاعات منتشر شده از سوی مرکز آمار ایران، زندانیان معتاد به مواد مخدر و روان‌گردان در سال ۱۳۹۶، یعنی در سال تصویب تبصره ماده واحده الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر، تعداد ۵۴۰۸۷ نفر بوده است. یک سال بعد، یعنی در دوره پس از لازم الاجرا شدن مقرره مزبور، این تعداد به رقم ۶۰۵۵۷ نفر افزایش یافته و در سال ۱۳۹۸ به رقم ۶۰۱۲۰ نفر رسیده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۸: ۵۶۴). مقایسه نرخ رشد تعداد معتادانی که در سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی کشور پذیرش شده‌اند، در طی این دو سال با چند سال منتهی به ۱۳۹۶، به طور واضح از رشد بسیار زیاد زندانیان معتاد در دوره حاکمیت مقررات تبصره ماده واحده الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر حکایت دارد.

نمودار شماره (۳): تعداد افراد پذیرش شده در مراکز کاهش آسیب اعتیاد به تفکیک سازمان

سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور ^(۱)	سازمان بهزیستی کشور			وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی			جمع کل			سال
	غیر دولتی	دولتی	جمع	غیر دولتی	دولتی	جمع	غیر دولتی	دولتی	جمع	
۰	۲۱۰۳	۲۲۵۳۷	۲۴۶۴۰	۰	۱۷۰۱۲	۱۷۰۱۲	۲۱۰۳	۳۹۵۴۹	۴۱۶۵۲ ۱۳۸۰
۱۱۹۴۵۳	۱۶۹۶۵۳	۳۰۵۸۵	۲۰۰۲۳۸	۱۳۳۳۷۰	۵۸۹۲	۱۳۸۱۶۲	۳۰۲۰۲۳	۱۵۵۹۳۰	۴۵۷۹۵۳ ۱۳۸۵
۸۴۲۰۷	۴۲۸۶۲۱	۱۰۱۱۱	۴۳۸۷۳۲	۱۷۱۹۴۴	۲۶۶۲۵	۱۹۸۵۶۹	۶۰۰۵۶۵	۱۲۰۹۴۳	۷۲۱۵۰۸ ۱۳۹۰
۲۳۶۶۸	۳۴۸۸۰۳	۵۵۲۶	۳۵۴۳۲۹	۳۶۸۶۰۷	۴۹۰۳۴	۴۱۷۶۴۱	۷۱۷۴۱۰	۷۸۲۲۸	۷۹۵۶۲۸ ۱۳۹۴
۵۱۰۸۷	۳۲۹۵۶۶	۲۹۸۳۷	۳۵۹۴۰۳	۳۹۴۵۹۶	۵۱۲۱۵	۴۴۵۸۱۱	۷۲۴۱۶۲	۱۳۳۱۳۹	۸۵۶۳۰۱ ۱۳۹۵
۵۴۰۸۷	۳۶۲۵۹۲	۲۸۷۲۱	۳۹۱۳۱۳	۵۰۳۸۵۸	۳۲۴۸۰	۵۳۶۳۳۸	۸۶۶۴۵۰	۱۱۵۲۸۸	۹۸۱۷۳۸ ۱۳۹۶
۶۰۵۵۷	۴۲۶۸۵۴	۲۷۶۴	۴۲۹۶۱۸	۹۴۸۲۷۰	۳۴۲۱۳	۹۸۲۴۸۳	۱۳۷۵۱۲۴	۹۷۵۳۴	۱۴۷۲۶۵۸ ۱۳۹۷
۶۰۱۲۰	۴۹۷۰۱۸	۹۲۸	۴۹۷۹۴۶	۷۳۳۳۱۳	۶۲۱۲۱	۷۹۵۴۳۴	۱۲۳۰۳۳۱	۱۳۳۱۶۹	۱۳۵۲۵۰۰ ۱۳۹۸

۱. متأسفانه در مراجعی مانند تارنمای «ستاد مبارزه با مواد مخدر» هیچ اطلاعاتی در زمینه تعداد زندانیان جرایم مربوط به مواد مخدر و روان‌گردان ارائه نشده است. داده‌های آماری منتشر شده در تارنمای «مرکز آمار ایران» نیز که به موضوع تحقیق مرتبط است، تنها مربوط به سال ۱۳۹۸ و چند سال پیش از آن است و اطلاعات مربوط به سال‌های ۱۳۹۹ و پس از آن ارائه نشده است.

رو به رو بودن سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی کشور با معضل افزایش روزافزون جمعیت زندان‌ها، مسأله تازه‌ای نیست؛ زیرا این امر سال‌هاست که از سوی مسئولان این نهاد بزرگ کیفری گوشزد می‌شود. اما آنچه در این میان تعجب برانگیز است، اقدام نمایندگان مجلس شورای اسلامی در تصویب قانونی است که نه تنها کمکی به حل این معضل نمی‌کند، بلکه می‌تواند وضعیت آنرا وخیم‌تر سازد. ماده واحده قانون مورد بحث، می‌تواند با افزایش شمار محکومان به حبس در جرایم مواد مخدر و روان‌گردان، نظام زندان‌های کشور را با مشکلات عدیده‌ای رو به رو کرده، فشار روانی وارد آمده بر کارکنان و قضات را نیز تشدید کند و از کیفیت امور قضائی و کارائی نهاد زندان بکاهد و موجب تضییع حقوق زندانیان گردد.

آنچه این استدلال را تقویت می‌کند، روند صعودی افزایش کشفیات مواد مخدر و روان‌گردان و نیز افزایش شمار دستگیرشدگان این قبیل جرایم است که به تبع آن، افزایش محکومیت‌ها و از جمله محکومیت به کیفر حبس را موجب می‌گردد. نمودارهای شماره ۴، ۵ و ۶، آمار انواع مواد مخدر و روان‌گردان کشف شده و دستگیرشدگان مرتبط با این مواد در خلال سال ۱۳۹۸ و چند سال پیش از آن را نشان می‌دهد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۸: ۵۶۰-۵۶۳).

نمودار شماره (۴): انواع مواد مخدر کشف شده

مواد مخدر (کیلوگرم)					جمع	سال و استان
کانابیس		مواد افیونی				
گراس	حشیش	تریاک و شیره تریاک	مرفین	هروئین (هروئین، کراک، کریستال)		
...	۵۱۹۷۰	۷۱۲۰۱	۷۰۷۸	۳۶۱۲	۱۴۰۱۳۴	۱۳۸۰
...	۵۸۲۰۹	۳۲۵۶۸۶	۱۱۱۷۴	۱۱۵۹۲	۴۲۴۵۵۷	۱۳۸۵
۱۳۶۵۲	۶۴۸۷۳	۳۸۱۹۲۰	۶۶۲۰	۲۰۵۵۹	۴۹۳۹۰۲	۱۳۹۰
۱۷۴۲۵	۱۰۰۲۰۸	۴۷۱۵۵۹	۸۲۷۶	۱۷۹۷۲	۶۲۰۲۶۷	۱۳۹۴ ^(۱)
۲۱۷۸۰	۹۲۲۳۴	۵۵۸۵۸۱	۱۲۴۷۰	۱۸۶۴۰	۷۱۰۴۴۳	۱۳۹۵ ^(۲)
۱۶۸۸۱	۹۱۲۳۰	۶۴۹۶۸۰	۱۳۹۶۷	۲۶۴۷۹	۸۰۸۶۳۲	۱۳۹۶ ^(۳)
۱۶۹۲۴	۸۰۵۳۰	۶۲۱۳۷۸	۲۳۳۸۷	۲۳۸۲۶	۷۸۹۴۷۲	۱۳۹۷
۱۷۹۵۸	۸۸۸۷۲	۷۶۲۳۷۶	۲۵۸۱۷	۱۸۹۰۳	۹۵۰۷۵۰	۱۳۹۸

نمودار شماره (۵): انواع مواد مخدر کشف شده (ادامه)

سال و استان	مواد مخدر (کیلوگرم)				سایر موارد
	محرکها شیشه (متامفتامین)	کوکائین	سایر مواد ^(۱)	آمپول و قرص‌های روان‌گردان	
۱۳۸۰	۳۱۰۰۰	۳۱۰۰۰	۶۲۷۳
۱۳۸۵	۳۱۰۰۰	۳۱۰۰۰	۱۷۸۹۶	۷۳۵۳۲۹۹	...
۱۳۹۰	۴۴۳۱	۱	۱۸۴۶	۱۷۹۱۲۲۹	۳۸۷۷
۱۳۹۴	۱۸۴۶	۱۰	۲۹۷۱	۶۰۰۵۳۵۳۸	۲۶۳۶۸۷
۱۳۹۵	۲۱۶۸	۲	۴۵۶۸	۴۰۲۸۸۹۶۹	۸۵۹۱۲
۱۳۹۶	۲۳۹۹	۰	۷۹۹۶	۱۳۵۹۵۷۴۹	۲۸۵۲۴۷
۱۳۹۷	۵۵۲۰	۵	۱۷۹۰۲	۷۵۸۱۷۲۸	۳۰۷۸۵۵
۱۳۹۸	۱۸۷۳۶	۰	۱۸۰۸۷	۹۲۸۵۹۱۳	۹۹۰۸۹۸

نمودار شماره (۶): دستگیرشدگان در ارتباط با مواد مخدر و روان‌گردان

سال و استان	جمع	قاچاقچیان و عوامل توزیع کننده مواد مخدر	معناد و مصرف کننده مواد مخدر	اتباع بیگانه
۱۳۸۰	۳۱۶۳۹۱	۱۱۳۳۱۷	۱۹۹۹۵۰	۳۱۲۴
۱۳۸۵	۴۲۶۸۰۹	۱۳۳۳۳۲	۲۸۹۹۵۷	۳۵۲۰
۱۳۹۰	۲۷۲۵۶۸	۲۵۲۱۹۷	۱۶۷۸۹	۳۵۸۲
۱۳۹۴	۳۵۹۰۹۵	۲۴۴۳۴۶	۱۰۹۰۰۳	۵۷۴۶
۱۳۹۵	۴۰۲۶۲۹	۲۴۸۶۸۶	۱۴۷۷۷۱	۶۱۷۲
۱۳۹۶	۴۱۳۰۸۴	۲۴۱۴۹۵	۱۶۶۳۸۹	۵۲۰۰
۱۳۹۷	۴۳۲۱۴۴	۲۳۸۵۲۴	۱۸۸۴۱۲	۵۲۰۸
۱۳۹۸	۶۱۷۴۵۴	۲۲۲۳۴۴	۱۹۱۵۸۵	۳۵۲۵

۳. ۲. تحمیل هزینه‌های اقتصادی گزاف و بی‌ثمر بر بودجه عمومی کشور

بیش از ۶۰ درصد از مجموع افرادی که پس از گذراندن دوران محکومیت از زندان آزاد می‌شوند، به فاصله چهار سال پس از آن، دوباره به سبب ارتکاب جرم جدید دستگیر می‌شوند. البته احتمال معقولی وجود دارد که آمار واقعی بیشتر از این باشد؛ زیرا ممکن است برخی از تکرارکنندگان جرم به دلایل مختلف دستگیر نشوند (احمدی، ۱۳۹۶: ۲۲۶).

بر اساس آمارهای موجود، جمعیت اصلی زندانیان ایران را مردان بالغ تشکیل می‌دهد که عنصر اصلی نیروی کار در جامعه هستند. در ایران حدود ۲۰۰/۰۰۰ نفر نیروی کار بالقوه به عنوان زندانی در حال تحمل محکومیت خود هستند و اقتصاد جامعه از فعالیت آنان بی‌بهره است. به این ترتیب، مجازات حبس که می‌تواند از جرایم علیه توسعه اقتصادی جلوگیری کند و زمینه را برای رشد اقتصادی فراگیر فراهم کند، خود به مانعی دیگر بر سر راه توسعه پایدار تبدیل شده است (قوی‌البینه، ۱۳۹۵: ۱-۲).

بررسی نتایج برخی از تحقیقات نشان می‌دهد که در این میان، سهم قابل توجهی از هزینه‌ها از سوی زندانیان مواد مخدر و روان‌گردان تحمیل می‌گردد. به عنوان مثال، نتایجی تحقیقی در دهه ۱۳۸۰ هزینه سالانه نگهداری محکومان جرایم مواد مخدر و روان‌گردان را ۲۲۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال برآورد کرده است (مختاریان و هاشمی، ۱۳۸۹: ۱۶۵). بدیهی است که به دلیل افزایش نرخ تورم و افزایش تعداد زندانیان جرایم مواد مخدر و روان‌گردان در سالیان اخیر، افزایش آن مبلغ چند ده برابر تخمین زده می‌شود.

نمودار شماره (۷): هزینه‌های مستقیم دولت از جرایم مواد مخدر و روان‌گردان

هزینه	میلیارد ریال
۱- مقابله با عرضه	۳۳۶۰/۷
۱-۱) هزینه‌های نظامی و انتظامی	۲۶۶۳
۱-۲) هزینه‌های قضایی	۲۳۴
۱-۳) هزینه زندان	۲۲۰
۱-۴) برنامه ۳۰۴۳۲	۲۴۳/۷
۲- کاهش تقاضا	۸۲۵/۴
۲-۱) اعتبارات کاهش تقاضا از ردیف ۱۰۱۰۳۴ ستاد	۳۵۸/۷
۲-۲) درمان و بازتوانی معتادان	۴۵۰
۲-۳) پیشگیری	۱۶/۷
جمع هزینه‌های مستقیم دولت	۴۱۸۶

هزینه سالانه نگهداری هر زندانی در سال ۱۳۹۶ حدود ۵۳۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال اعلام شده بود (معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه، ۱۳۹۷، ۱)؛ در حالی که مطابق اظهارات برخی از مقامات رسمی، این رقم تا سال جاری افزایش چشمگیری داشته و حدود ۱/۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال تخمین زده می‌شود (خبرگزاری مهر، ۱۴۰۱، ۱).

از آنجا که طی سالیان مختلف حدود یک سوم تا نیمی از آمار زندانیان به محکومان جرایم مواد مخدر و روان‌گردان اختصاص دارد، بنا بر این، حدود یک سوم تا نیمی از بودجه یادشده صرف نگهداری زندانیان جرایم مواد مخدر و روان‌گردان می‌شود. این امر نشان می‌دهد که در وضعیت کنونی مقررات جزایی مربوط به این دسته از جرایم، مقرراتی پُر هزینه است و با در نظر گرفتن میزان تکرار جرم، چه بسا بتوان گفت که از پشتوانه حکمت تقنینی چندان بر خوردار نیست. تقنین مقرراتی نظیر تبصره ماده واحده الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۹۶، نوعی

حبس‌گرایی افراطی را در زمینه مبارزه با مواد مخدر و روان‌گردان برقرار می‌کند که ثمره عملی آن می‌تواند سالانه صرف مبالغ هنگفت از بودجه عمومی کشور برای اداره زندان‌ها باشد.

۳.۳. تحمیل آثار کیفر حبس بر خانواده محکومان

در شرایط کنونی جامعه، آسیب‌های ناشی از محکومیت به حبس برای نهاد خانواده بسیار مهم‌تر از گذشته است؛ زیرا مطابق اظهارات اخیر ریاست سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، اکثریت محکومان به حبس را افراد متأهل تشکیل داده‌اند: «هم‌اکنون حدود شصت و خرده‌ای درصد زندانیان ما متأهل و مابقی مجردین و یا افرادی هستند که متارکه کرده‌اند و یا با فوت همسران‌شان مواجه شده‌اند» (خبرآنلاین، ۱۴۰۱، ۱).

نتایج حاصل از تحقیقاتی که تجربه زیسته کودکان و نوجوانانی را بررسی کرده‌اند که هر دو یا یکی از والدین آنها از جمله به سبب ارتکاب جرایم مواد مخدر به حبس محکوم شده، نشان می‌دهد که از هم‌گسیختگی و آشفتگی خانواده، تغییر جریان عادی زندگی، طرد شدگی، سرخوردگی و ناامیدی و نیز پذیرش انگ‌ها از پیامدهای مهم کیفر حبس برای اعضای خانواده محکومان به خصوص کودکان است (میرحسینی، زهرا و ابراهیمی، مرضیه، ۱۳۹۸: ۱۳۳).

بر اساس یافته‌های برخی از پژوهش‌ها در زمینه آثار کیفر حبس بر خانواده محکومان به جرایم مواد مخدر، بهداشت روانی همسران محکومان به حبس در ابعاد مختلف کاهش می‌یابد و هزینه‌های سنگینی را بر ایشان تحمیل می‌کند و این نشان می‌دهد که مجازات مجرمان مواد مخدر بیش از آنکه مجازان خود آن‌ها باشد، مجازات زنان آنهاست (نیکپور قنوتی و احمدی، ۱۳۸۹: ۱۴۱).

بخش مهمی از آسیب‌های زندانیان مواد مخدر و روان‌گردان، هزینه‌هایی است که به تبع محکومیت حبس بر خانواده ایشان تحمیل می‌گردد. بر اساس نتایج برخی از تحقیقات، این هزینه‌ها شامل مواردی از قبیل هزینه‌های ناشی از مرگ زود هنگام مصرف‌کنندگان و آسیب‌های اجتماعی (مانند طلاق، قتل، نزاع و...) می‌شود و مجموع سالانه آنها در دهه ۱۳۸۰ در نمودار زیر نشان داده شده است. به دلیل افزایش نرخ تورم و افزایش تعداد زندانیان جرایم مواد مخدر و روان‌گردان در سال‌های گذشته، می‌توان افزایش آن مبلغ را چند ده برابر تخمین زد (مختاریان و هاشمی، ۱۳۸۹: ۱۶۵).

نمودار شماره (۸): هزینه‌های جنبی خانواده و جامعه در جرایم مواد مخدر و روان‌گردان

هزینه	مرگ زودهنگام	آسیب‌های اجتماعی	کاهش سرمایه زیربنایی	خسارات گروه‌های تبهکاری	جمع
میلیارد ریال	۲۱۳۷	۲۳۳۴/۷	۷۳۲/۵	۱۵۰	۵۳۴۴

بسیاری از زندانیان، مردانی هستند که یا سرپرست خانوار هستند یا می‌توانند با اثربخشی اقتصادی به وضعیت اقتصادی خانواده کمک کنند. با حبس این افراد پشتوانه اقتصادی چند ده هزار خانواده از بین می‌رود و جمعیت زیادی از اعضای خانواده‌ها محتاج و نیازمند کمک و حمایت مالی سازمان‌های دولتی مانند اداره بهزیستی، یا نهادهای غیردولتی مانند کمیته امداد امام خمینی (ره) می‌شوند (قوی‌البنیه، ۱۳۹۵: ۲).

از کارکردهای منفی کیفر حبس که غالباً پس از صدور حکم آشکار می‌شود، تأثیر مجازات بر خانواده مجرمان است. وقتی سرپرست خانواده به حبس محکوم می‌شود، الصاق برجسب‌هایی نظیر مجرم و کجرو به وی شدت می‌یابد و در نتیجه احساس تعلق، تعهد و پای‌بندی اعضای خانواده را به وی کاهش می‌دهد و روابط اجتماعی آنان را محدود می‌کند (احمدی، ۱۳۹۶: ۲۷۰).

نتایج برخی از تحقیقات در زمینه آثار کیفر حبس بر خانواده محکومان جرایم مواد مخدر نشان می‌دهد که زندان موجب انزوا و کاهش روابط اجتماعی اعضای خانواده و افت توان امرار معاش آنان می‌شود و سبب افت تحصیلی و کاهش کنترل اجتماعی بر فرزندان و نیز اختلال در فرایند جامعه‌پذیری و افزایش تمایلات بزهکاری در ایشان می‌گردد (احمدی و ایمان، ۱۳۸۵: ۱۷).

بر اساس برخی دیگر از پژوهش‌ها، مشکلات اقتصادی و معیشتی، احساس ناامنی و تنهایی، محدود شدن حق انتخاب، ترس از آلوده شدن رابطه‌ها، رشد احساس ضد اجتماعی شدن و افزایش احتمال طلاق را به عنوان مهم‌ترین مشکلات و پیامدهای ناخواسته زندان برای خانواده محکومان به ویژه محکومان جرایم مواد مخدر شناسایی شده است (باقی و موسوی، ۱۳۹۶: ۵۳۱).

با وجود اینکه حمایت از خانواده زندانیان، در بسیاری از برنامه‌های پنج‌سالانه توسعه مورد تأکید بوده و در بودجه سالانه کشور نیز اعتباراتی به آن تخصیص یافته است، اما همچنان مشکلات خانواده محکومان به حبس به طور ریشه‌ای حل نشده و طبق آمارهای موجود، تنها ۲۰ درصد از خانواده زندانیان مشمول حمایت قرار گرفته‌اند. تغییر راهبردی حمایت از راه بهزیستی و کمیته امداد امام خمینی (ره) به جای حمایت از راه کمک به نهادهای مردمی، در برنامه پنجم توسعه نیز نتوانسته است این معضل را رفع نماید و این امر با توجه به اینکه به ازای هر زندانی چند نفر به عنوان خانواده محکوم در فشار اقتصادی گرفتار می‌شوند، و این خود می‌تواند اعضای

خانواده را درگیر فعالیت‌های مجرمانه کند، نگران‌کننده بوده، کار مقابله با بزهکاری را دشوارتر می‌کند (قوی‌البینه، ۱۳۹۵: ۲).

با وجود چنین آثار زیانباری که بر محکومیت به حبس مترتب است، انتظار معقول این بود که مقنن سیاست حبس‌زدایی را در زمینه مجرمان مواد مخدر و روان‌گردان تقویت کند و توسعه دهد؛ اما تصویب تبصره ماده واحده الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر در سال ۱۳۹۶، درست برخلاف انتظار، موجب تقویت سیاست حبس‌گرایی و توسعه کیفر حبس بر محکومان جرایم مواد مخدر و روان‌گردان می‌شود. در چنین شرایطی، انتظار می‌رود که نسبت به مدت زمان پیش از سال ۱۳۹۶، خانواده‌های بیشتری از محکومان جرایم مواد مخدر و روان‌گردان با مشکلات به وجود آمده برای زندانیان آن جرایم ناشی از کیفر حبس درگیر شده، و فشارهای اقتصادی، تنش‌های روانی و آسیب‌هایی بیشتری از این حیث متوجه نهاد خانواده گردد.

۴. ۳. وارد کردن جوانان به چرخه رسمی عدالت کیفری

کیفر حبس که در حقوق کیفری مورد تأکید برخی از مکاتب حقوقی است، از منظر دانش جرم‌شناسی مشکلات فراوانی را ایجاد می‌کند. همنشینی مجرمان در زندان‌ها، تقریباً بیشتر زندانیان را با فنون و شیوه‌های جدید مجرمیت آشنا می‌کند؛ به گونه‌ای که فردی که برای جرم ساده‌ای روانه زندان شده، هنگام خروج از آن با انواع جرم‌های سنگین‌تر و شیوه‌های ارتکاب آنها آشنایی یافته است (فروغی‌فر، ۱۳۸۶: ۱۹۳).

به این ترتیب، همنشینی و داد و ستد اطلاعات و تجربه‌های مجرمانه در زندان، موجب سازمان‌یافتگی زندانیان و فعالیت‌های مجرمانه شده، مجرمیت فردی را به مجرمیت گروهی تبدیل می‌کند (احمدی، ۱۳۹۶: ۲۷۳). اهمیت این مقوله زمانی دوچندان می‌شود که بدانیم نوجوانان و جوانان، درصد زیادی از آمار زندانیان کشور را به خود اختصاص داده‌اند.

مطابق نتایج برخی از تحقیقات میانگین سنی محکومان به حبس حدود ۳۰ سال است و با توجه به کاهش سن اعتیاد و مصرف مواد حدود ۴۰ درصد از محکومان پیش از زندانی شدن سابقه سوء مصرف و اعتیاد دارند (جلیلیان و همکاران، ۱۳۹۲، ۴۱). از این رو، آمار بالای جوانانی که مرتکب جرایم مواد مخدر و روان‌گردان شده‌اند در میان محکومان به حبس، از نظر آسیب‌پذیری ایشان وضعیت نگران‌کننده‌ای دارد. به علاوه، با توجه به محدودیت دسترسی به مواد مخدر و ابزار استفاده از آن، خطر گسترش اعتیاد و شیوع بیماری‌های مرتبط (ناشی از وسایل آلوده)، قشر جوان محبوس را تهدید می‌کند.

از ابتدای سال ۱۳۵۸ تا پایان سال ۱۳۸۰، جمعیت کل کشور تقریباً ۱,۷ برابر شد، در حالی که جمعیت زندان‌ها ۷,۵ برابر شده است. در این دوران حدود ۷ میلیون نفر وارد زندان‌ها شده‌اند که اغلب ایشان در گروه سنی ۱۹ تا ۲۵ سال قرار داشته‌اند و نیمی از ورودی زندان شامل افراد بی‌کار یا دارای مشاغل کاذب بوده است (شهیدزاده، ۱۳۸۶: ۱۲۴).

از نقطه نظر سنی، بیشترین تعداد زندانیان را طبقه سنی جوانان (۱۹ تا ۲۵ سال) تشکیل می‌دهد. حدود ۳۰ درصد از آمار ورودی زندان‌ها متعلق به این طبقه سنی است. به علاوه بیشتر از ۵۰ درصد از آمار ورودی زندان به افراد دارای ۱۹ تا ۳۲ سال تعلق دارد و بیشتر از ۶۵ درصد از ایشان شامل افراد تا ۴۰ سال است. این امر نشان‌دهنده خطری است که جمعیت جوان و فعال کشور را که در سن کار و تولید قرار دارند تهدید می‌کند (جعفرقلی، ۱۳۸۶: ۱۳۹).

بنا بر این، آمارهای موجود نشان می‌دهد که اکثر زندانیان را افراد جوان تشکیل می‌دهد که بهترین دوره زندگی و دوره توانایی خود را پشت میله‌های زندان سپری می‌کنند. این امر علاوه بر آسیب‌های جبران ناپذیری که بر قشر فعال جامعه وارد می‌آورد، ایشان را در معرض خطر همنشینی با زندانیان خطرناک قرار می‌دهد (معظمی، ۱۳۸۶: ۷۵).

از جمله کارکردهای منفی کیفر حبس، رفتارهای خشونت‌بار و غیراخلاقی برخی از محکومان علیه دیگر زندانیان به خصوص زندانیان جوان‌تر است. گاهی اقدام به خودکشی یا خودزنی، اعتراضی است که زندانیان به رفتارهای غیر انسانی علیه خود یا مورد تعدی و تجاوز قرار گرفتن از سوی زندانیان دیگر نشان می‌دهند (احمدی، ۱۳۹۶: ۲۶۹).

از جمله آثاری که اجرای کیفر حبس ناشی از تبصره ماده واحده الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۹۶ می‌تواند به دنبال داشته باشد، این است که گونه‌های مختلف شخصیتی را گردهم آورده، افراد غیر حرفه‌ای را با مجرمان حرفه‌ای، و بزهکاران نخستین را با مجرمان سابقه‌دار، هم‌پند و هم‌سلول و هم‌نشین می‌کند. در حالی که این امر مطابق برخی از نظریه‌های جرم‌شناختی نظیر نظریه همنشینی افتراقی، خود از عوامل بزهکاری و تکرار جرم است.

به علاوه، مطابق نظریه جرم‌شناختی دیگر، یعنی نظریه برچسب‌زنی، محکومیت جوانان به کیفر حبس موجب تشدید فرایند الصاق برچسب مجرمانه و پذیرش آن برچسب از سوی ایشان می‌شود که خود از عوامل مهم بزهکاری است. در حالی که حبس‌گرایی ناشی از مقرره یادشده، در زمینه مواد مخدر و روان‌گردان که بیشتر محکومان آنرا افراد جوان تشکیل می‌دهد، احتمال الصاق برچسب‌های مجرمانه بر محکوم را به گونه‌های مختلف در طول مدت کیفر حبس افزایش داده، اندک اندک هویت مجرمانه را در وی شکل می‌دهد.

نتیجه‌گیری

در دهه ۱۳۹۰ نشانه‌هایی از تغییر رویکرد در سیاست‌های شدید قبلی در زمینه مواد مخدر و روان‌گردان آشکار گردید که در عمل، در تلاش‌هایی برای محدود کردن کیفر اعدام تجلی یافت و در قانون الحاقی یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۹۶ به ثمر نشست. با این حال، تبصره ذیل آن مقرر، نسبت به مقررات پیش از آن، از حیث کیفر حبس حکم سخت‌گیرانه‌تر و شدت‌گرایانه‌تری را برقرار کرده و محکومان جرایم مواد مخدر و روان‌گردان در حبس‌های بیش از ۵ سال را از برخورداری از برخی نهادهای ارفاقی همچون تعلیق اجرای مجازات و آزادی مشروط محروم ساخته است.

بررسی‌های به عمل آمده در این تحقیق نشان می‌دهد که تبصره ماده واحده قانون یادشده، عمدتاً به اقتضای شرایط زمان تصویب و برای اقتناع طرف‌داران سخت‌گیری در مبارزه با مواد مخدر و روان‌گردان، با افراط در حبس‌گرایی طراحی و تدوین شده است و لذا دارای پشتوانه مستحکم علمی و منطقی نیست. این تبصره در حالی به تصویب رسیده است که حکم مقرر در آن، با برخی از قواعد حقوقی و اسناد بالادستی و پاره‌ای از واقعیت‌های اجتماعی، آشکارا تناقض دارد. مقرر مزبور، از یک سو مغایر با توصیه‌های مقرر در سیاست‌های کلی نظام و برنامه‌های پنج‌سالانه کشور ناظر بر لزوم پرهیز هرچه بیشتر از کیفر حبس و گسترش دادن شیوه‌های جایگزین است؛ و از سوی دیگر با رویکرد کلی قوانین عادی که بر لزوم توسعه سیاست حبس‌زدایی و توسل به کیفر حبس به عنوان آخرین راه حل تأکید دارند ناهماهنگ است.

با عنایت به استدلال‌هایی که در متن تحقیق گذشت، ارتباط میان گزاره‌های زیر، پرده از آثار ناگوار و زیان‌باری برمی‌دارد که تبصره یادشده می‌تواند به ارمغان آورد:

نخست، با لازم الاجرا شدن ماده واحده الحاقی بسیاری از مجرمانی که سابقاً به اعدام محکوم می‌شدند، به حبس محکوم می‌شوند و انتظار می‌رود از این راه، آمار محکومیت‌های حبس افزایش یابد.

دوم، چنین محکومانی به علاوه محکومانی که مجازات آنان بیش از ۵ سال است، از نهادهای ارفاقی محروم‌اند و این امر مدت ماندگاری آنان را در زندان افزایش می‌دهد.

سوم، مطابق داده‌های آماری موجود، در سالیان اخیر، آمار کشف مواد مخدر و روان‌گردان و دستگیرشدگان مرتبط با آن افزایش داشته است که این امر می‌تواند افزایش محکومیت‌ها و از جمله محکومیت به حبس را به دنبال داشته باشد.

چهارم، به اذعان مسئولین و بر اساس داده‌های آماری موجود، در سالیان اخیر، آمار زندانیان به صورت تصاعدی رو به افزایش است و در این میان، محکومان جرایم مواد مخدر و روان‌گردان جزء بیشترین محکومان به حبس هستند.

پنجم، در میان محکومان جرایم مواد مخدر و روان‌گردان، جوانان از آمار بالایی را به خود اختصاص داده‌اند.

ششم، مقایسه آمارهای پیش از سال ۱۳۹۶ با آمارهای بعد از آن، افزایش‌های چشمگیری را در برخی از موارد نشان می‌دهد.

بر اساس مقدمات یادشده، می‌توان پیش‌بینی کرد که با استمرار حاکمیت تبصره ماده واحده الحاقی، وضعیت وخیم زندان‌های کشور تشدید شده، هزینه‌های گزافی بر بودجه عمومی و خانواده محکومان تحمیل گردد. با عنایت به نرخ بالای محکومان جرایم مواد مخدر و روان‌گردان در میان آمار زندانیان (حدود ۳۰ تا ۵۰ درصد)، شیوع انواع بیماری‌ها، تشکیل گروه‌های تبهکاری و دشوار شدن مدیریت، افزایش بزهکاری و نزاع درون زندان، و به تبع آن تشدید فشار روانی بر کارکنان زندان، از تبعات اجرای آن خواهد بود. همچنین، با توجه به کاهش میانگین سنی مرتکبان جرایم مواد مخدر و روان‌گردان، جوانان بیشتری به زندان‌ها روانه شده، تبعات منفی آن از جمله همنشینی با مجرمان سابقه‌دار و پذیرش برچسب‌های مجرمانه، افزایش جرایم و بیماری‌های جنسی درون زندان و آسیب‌هایی از این دست قابل پیش‌بینی خواهد بود.

بنا بر این، به نظر می‌رسد که تجدیدنظر در تبصره ماده واحده الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۹۶ از ضرورت‌های تقنینی کنونی است که باید در اولویت قرار گیرد. از این رو، پیشنهاد می‌شود که مجلس محترم شورای اسلامی، با تصویب مقرره‌ای، آن را نسخ نموده، به عمر آن پایان دهد.

منابع

الف) فارسی

- کتاب‌ها و مقاله‌ها

۱. آشوری، محمد (۱۳۹۴)، جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، چ سوم، تهران: گرایش.
۲. احمدی، حبیب (۱۳۹۶)، جامعه‌شناسی انحرافات، چ هشتم، تهران: سمت.
۳. احمدی، حبیب و ایمان، محمدتقی (۱۳۸۵)، «بررسی تأثیر مجازات مجرمین مواد مخدر بر کیفیت زندگی خانواده‌های آنان: مورد مطالعه خانواده‌های زندانیان مواد مخدر شهر شیراز»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، شماره ۱، صص ۱-۱۹.

۴. باقی، عماد الدین و موسوی، میرطاهر (۱۳۹۶)، «پیامدهای زندانی شدن بر خانواده زندانیان»، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، سال ۶، شماره ۳، صص ۵۱۷-۵۵۰.
۵. بهره‌مند، حمید (۱۳۹۶)، «سیاست حبس‌زدایی در نظام تقنینی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه راهبرد، سال ۲۶، شماره ۸۲، صص ۳۵۷-۳۸۲.
۶. پوره‌اشمی، سیدعباس (۱۳۸۳)، **زندان هنر تنبیه یا مجازات قانونی**، چ اول، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
۷. جلیلیان، فرزاد و میرزایی علویجه، مهدی و آمویی، محمدرضا و زینت مطلق، فاضل و حاتم‌زاده، ناصر و وردی‌پور، حمیداله (۱۳۹۲)، «بررسی میزان شیوع و الگوی سوء مصرف مواد در زندانیان شهر کرمانشاه»، فصلنامه بهداشت و ارتقاء سلامت، سال ۱، شماره ۲، صص ۴۱-۴۸.
۸. خلیل‌زاده، ایرج و حسنی، میثم (۱۳۹۸)، **محشای قانون مبارزه با مواد مخدر**، چ اول، تهران: خرسندی.
۹. ذبحی، حسن (۱۳۹۹)، **شرح و بررسی ماده ۴۵ الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۹۶**، ج ۱، چ دوم، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
۱۰. رحمدل، منصور (۱۳۸۶)، «علل افزایش جمعیت کیفری در مورد جرم‌های مربوط به مواد اعتیاد آور غیر قانونی»، مجموعه مقالات همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، چ اول، تهران: میزان، صص ۲۷-۴۶.
۱۱. جعفرقلی، ناصر (۱۳۸۶)، «راهکارهای کاهش جمعیت کیفری»، مجموعه مقالات همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، چ اول، تهران: میزان، صص ۱۳۷-۱۴۲.
۱۲. داوودی گرم‌رودی، هما (۱۳۸۶)، «اندیشه‌های مجازات و عوامل مؤثر بر حجم جمعیت کیفری»، مجموعه مقالات همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، چ اول، تهران: میزان، صص ۴۷-۶۴.
۱۳. شهیدزاده، ژاله (۱۳۸۶)، «راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها با تکیه بر قرار کفالت»، مجموعه مقالات همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، چ اول، تهران: میزان، صص ۱۴۳-۱۵۰.
۱۴. فروغی‌فر، جواد (۱۳۸۶)، «نقش قضازدایی در کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها»، مجموعه مقالات همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، چ اول، تهران: میزان، صص ۱۸۹-۲۰۳.
۱۵. محبی، شاهرخ (۱۳۸۲)، «تأثیر حبس بر مجرمان مواد مخدر»، ماهنامه اجتماعی، فرهنگی و آموزشی اصلاح و تربیت، سال ۱، شماره ۷، صص ۲۹-۳۵.
۱۶. مختاریان، حسین و هاشمی، علی (۱۳۸۹)، **اقتصاد مواد مخدر-برآورد هزینه در ایران**، مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، سال ۱، شماره ۴، صص ۱۵۱-۱۷۵.
۱۷. مرکز آمار ایران (۱۳۹۸)، **سالنامه آماری کشور ۱۳۹۸**، چ اول، تهران: مرکز آمار ایران.
۱۸. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۶ الف)، **اظهارنظر کارشناسی (اولیه) درباره طرح الحاق یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر**، تهران: مجلس شورای اسلامی.
۱۹. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۶ ب)، **اظهارنظر کارشناسی (نهایی) درباره طرح الحاق یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر**، تهران: مجلس شورای اسلامی.
۲۰. معظمی، شهلا (۱۳۸۶)، «جانشین‌های مجازات زندان برای زنان»، مجموعه مقالات همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، چ اول، تهران: میزان، صص ۶۵-۸۷.

۲۱. موسوی مجاب، سیددرید و احمدزاده، رسول و رستمی، سینا (۱۳۹۹)، «واکاوی سیاست جنایی قانون‌گذار در ماده ۴۵ الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر»، فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، سال ۱۷، شماره ۱۹، صص ۲۴۹-۲۷۱.
۲۲. میرحسینی، زهرا و ابراهیمی، مرضیه (۱۳۹۸)، «مطالعه تجربه زیسته کودکان و نوجوانان در خانواده‌هایی با والد زندانی»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، سال ۱۳، شماره ۱، صص ۱۳۳-۱۵۳.
۲۳. نیکپور قنوتی، لیلا و احمدی، حبیب (۱۳۸۹)، «تأثیر زندانی شدن محکومین به جرایم مواد مخدر بر وضعیت بهداشت روان زنان آنها»، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۱، صص ۱۴۳-۱۵۸.

- تارنماها:

۱. پایگاه اطلاع رسانی دولت (۱۴۰۱)، خبر شماره ۳۹۵۹۸۲ (۱۴۰۱/۰۶/۲۲):
<دسترسی: www.dolat.ir/detail/395982 <۱۴۰۱/۰۷/۲۱
۲. خبرگزاری مهر (۱۴۰۱)، خبر شماره ۵۵۸۰۹۹۱ (۱۴۰۱/۰۶/۱۳):
<دسترسی: www.mehrnews.com/news/5580991 <۱۴۰۱/۰۷/۲۱
۳. روزنامه همدلی (۱۴۰۰)، خبر شماره (۱۴۰۰/۰۷/۱۸):
<دسترسی: <https://www.hamdelidaily.ir/index.php?post=25135> <۱۴۰۱/۱۰/۲۰
۴. عصر ایران (۱۴۰۰)، خبر شماره ۷۹۱۱۳۳ (۱۴۰۰/۰۴/۰۶):
<دسترسی: www.asriran.com/fa/news/791133 <۱۴۰۱/۰۷/۲۱
۵. علیزاده، علی (۱۳۹۶)، مصاحبه با ایسنا، خبر شماره ۹۶۰۸۱۵۰۸۹۵۲ (۱۳۹۶/۰۸/۱۵):
<دسترسی <https://www.isna.ir/news/96081508952/> <۱۴۰۰/۰۳/۰۵
۶. قوی‌البنيه، ابوالفضل (۱۳۹۵)، تارنمای شبکه مطالعات سیاست‌گذاری عمومی (۱۳۹۵/۰۵/۰۲):
<دسترسی: www.web.archive.org <۱۴۰۱/۰۷/۱۲
۷. مرکز بین‌المللی مطالعات زندان (۲۰۱۸):
<دسترسی: www.prisonstudies.org/country/Iran <۱۴۰۱/۰۷/۱۲
۸. محمدی، غلام‌علی (۱۴۰۱)، مصاحبه منتشر شده در پایگاه خبری خبرآنلاین (۱۴۰۱/۰۴/۰۷):
<دسترسی: www.khabaronline.ir <۱۴۰۱/۰۷/۱۲
۹. معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه (۱۳۹۷)، خبر شماره ۱۷۶۲۴ (۱۳۹۷/۰۸/۱۴):
<دسترسی: www.scpd.eadl.ir/news/ID/17624 <۱۴۰۱/۰۷/۲۱